

کدام مافیای انرژی؟



وحید عظیم‌نیا دبیر گروه اقتصادی

ناترازی انرژی در بخش آب و برق، یکی از چالش‌های بزرگ و پیچیده‌ای است که سال‌هاست گریبانگیر اقتصاد کشورمان شده است. قطعی‌های مکرر برق در تایلستان، کمبود آب در بسیاری از مناطق و مشکلات تأمین سوخت در زمستان، همگی نشانه‌هایی از این بحران هستند اما شاید هیچ‌وقت مثل امسال مردم به این موضوع توجه نکرده‌اند. اخیراً یکی از نمایندگان مجلس با وجود ابزار های نظارتی قدرتمند خود، تاکنون نتوانسته است ریشه این مشکلات را بپوشکند؟

وقتی صحبت از سوءمدیریت دولت در بخش انرژی می‌شود، وزارت نیرو به‌عنوان متولی اصلی این حوزه، اولین نهادی است که باید پاسخگو باشد. ناترازی انرژی، چه در بخش برق و چه در بخش آب، نتیجه مجموعه‌ای از عوامل است که نمی‌توان آنها را صرفاً به سوءمدیریت تقلیل داد، اما نمی‌توان نقش مدیریت کلان‌راهم نادیده گرفت. برای مثال، عدم‌سرمایه‌گذاری کافی در توسعه و به‌روزرسانی نیروگاه‌ها، یکی از انتقادات اصلی است. بسیاری از نیروگاه‌های کشور فرسوده‌اند و نیاز به بازسازی و نوسازی (اورال) دارند، این در حالی است که تقاضای برق به دلیل افزایش جمعیت، توسعه صنعتی و گسترش فناوری‌هایی مانند استخراج ارزهای دیجیتال (ماینینگ) به‌شدت افزایش یافته است. وزارت نیرو باید به‌صورت شفاف توضیح دهد چه اقدامی در راستای برنامه‌ریزی‌های بلندمدت برای افزایش ظرفیت تولید برق یا بهینه‌سازی مصرف سوخت در نیروگاه‌ها انجام داده است؟ وزارت نیرو اگر ادعای آن نماینده مجلس را درباره سوءمدیریت قبول ندارد، باید با ارائه آمار و اطلاعات دقیق، برنامه‌های خود را تشریح کند. از سوی دیگر، ذخیره‌سازی سوخت برای نیروگاه‌ها در فصل زمستان، یکی دیگر از نقاط ضعف مورد اشاره منتقدان است. قطعی برق در زمستان‌های گذشته نشان داد برنامه‌ریزی برای تأمین سوخت مایع (مانند گازوئیل و مازوت) برای نیروگاه‌ها کافی نبوده است. این موضوع زمانی پیچیده‌تر می‌شود که بدانیم کشورمان یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان گاز در جهان است، اما همچنان به تأمین گاز برای مصارف داخلی، به‌ویژه در فصل سرما، با چالش مواجه است. وزارت نیرو باید با مستندات پاسخ دهد که چرا ذخیره‌سازی سوخت به اندازه کافی انجام نشده است و چه برنامه‌ای برای آینده دارد.

■ **مافیای انرژی کیست و چه می‌کند؟**

یکی از جنجالی‌ترین بخش‌های اظهارات نماینده مجلس، اشاره به «مافیای انرژی» است، اما این مافیا چیست و چه کسانی در آن دخیلند؟ متأسفانه، این اصطلاح اغلب به‌صورت کلی و بدون توضیح دقیق به کار می‌رود که باعث ابهام و سردرگمی می‌شود. اگر منظور از مافیای انرژی، گروه‌های ذی‌نفع یا شبکه‌هایی باشند که با سوءاستفاده از منابع انرژی، منافع کلان اقتصادی به دست می‌آورند، باید به‌صورت شفاف مشخص شود که این گروه‌ها چه کسانی هستند، کجا فعالیت می‌کنند و چگونه به سیستم انرژی کشور آسیب می‌زنند. یکی از مصادیق احتمالی مافیای انرژی که به آن اشاره شده است، «تولیدکنندگان مالدین» هستند. استخراج ارزهای دیجیتال به دلیل مصرف بالای برق، در سال‌های اخیر به یکی از عوامل افزایش تقاضای انرژی تبدیل شده است. برخی گزارش‌ها نشان می‌دهند ماینرهای غیر مجاز با استفاده از برق یارانه‌ای یا حتی سرقت برق، هزینه‌های هنگفتی به شبکه برق کشور تحمیل کرده‌اند، اما آیا این گروه‌ها به‌تنهایی می‌توانند به‌عنوان مافیا شناخته شوند یا شبکه‌های بزرگ‌تری در پشت پرده وجود دارند؟ برای مثال، برخی‌ها معتقدند شرکت‌های خاصی در بخش خصوصی یا حتی نهادهای شبه‌دولتی، با دسترسی به منابع انرژی ارزان، در فعالیت‌هایی مانند صادرات انرژی قانونی یا سوداگرفتن از یارانه‌های انرژی دخیلند. این موضوع نیازمند بررسی دقیق و شفافیت از سوی دولت است.

علاوه بر ماینرها، به «مصرف کنندگان کلان» نیز اشاره شده است. این گروه می‌توانند شامل صنایع بزرگ، مانند کارخانه‌های فولاد، سیمان یا تروشیمنی باشند که به دلیل دسترسی به برق و گاز یارانه‌ای، مصرف غیربیهیمنه‌ای دارند، اما آیا این مصرف کنندگان بخشی از یک شبکه مافیایی هستند یا صرفاً از سیاست‌های نادرست یارانه‌ای سوءاستفاده می‌کنند؟ اگر مافیای انرژی وجود دارد، باید مشخصاً اعلام شود چه کسانی از حفره‌های قانونی یا فساد در سیستم توزیع انرژی سود می‌برند. آیا قرار دادهای غیرشفاف در حوزه انرژی وجود دارد؟ یا آراءت‌های خاصی به برخی شرکت‌ها تعلق‌اطفا شده است؟ این پرسش‌ها نیاز به پاسخ‌های مستدل و مستند دارند که مطرح کننده باید توضیح دهد.

مجلس شورای اسلامی به‌عنوان نهاد قانونگذار و ناظر بر عملکرد دولت، ابزارهای متعددی برای مقابله با ناترازی انرژی و آنچه مافیای انرژی خوانده می‌شود، در اختیار دارد. کمیسیون‌های تخصصی مانند کمیسیون انرژی و برنامه و بودجه می‌توانند با برگزاری جلسات نظارتی، دعوت از وزرا و مدیران وزارت نیرو و بررسی‌های دقیق عملکرد دولت، ریشه مشکلات را شناسایی کنند. علاوه بر این، مجلس می‌تواند با تصویب قوانین سختگیرانه‌تر در حوزه مدیریت انرژی، مانند اصلاح نظام یارانه‌ها، برخورد با ماینرهای غیرمجاز یا الزام دولت به سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر، گام‌های مثبتی بردارد. یکی از ابزارهای مهم مجلس، تحقیق و تفحص است. اگر ادعای وجود مافیای انرژی صحت دارد، مجلس می‌تواند با تشکیل کمیته‌ای ویژه، فعالیت‌های مشکوک در حوزه انرژی را بررسی کند. برای مثال، تحقیق و تفحص از قراردادهای فروش سوخت، نحوه توزیع یارانه‌های انرژی یا فعالیت‌های ماینرها می‌تواند شفافیت بیشتری ایجاد کند، همچنین مجلس می‌تواند دولت را مکلف کند گزارش‌های دوره‌ای درباره وضعیت ناترازی انرژی و اقدامات انجام‌شده ارائه دهد، اما

پرسش این است که چرا مجلس تاکنون در این زمینه اقدامات قاطعی انجام نداده است؟ آیا نمایندگان به دلیل ملاحظات سیاسی یا اقتصادی از پیگیری جدی این موضوع خودداری کرده‌اند یا ابزارهای نظارتی مجلس به اندازه کافی مؤثر نبوده‌اند؟ اگر مجلس معتقد است دولت در مدیریت انرژی ناکارآمد عمل کرده است، باید با استفاده از اهرم‌های قانونی خود، دولت را به پاسخگویی و اصلاح رویه‌ها وادار کرد.

برای مقابله با بحران ناترازی انرژی و همچنین مقابله با آنچه به‌عنوان مافیای انرژی شناخته می‌شود، مجموعه‌ای از اقدامات هماهنگ، فوری و شفاف ضروری است. نخستین گام، ایجاد شفافیت کامل در مدیریت منابع انرژی است. دولت باید به‌صورت منظم اطلاعات دقیقی از میزان تولید، نحوه توزیع و الگوهای مصرف انرژی منتشر کند. همچنین جزئیات قراردادهای بزرگ انرژی، نحوه تخصیص یارانه‌ها و میزان فعالیت ماینرها، چه مجاز و چه غیرمجاز، باید در دسترس عموم قرار گیرد تا زمینه برای فساد و رانت از بین برود.

در کنار شفاف‌سازی، سرمایه‌گذاری هدفمند در زیرساخت‌های انرژی اهمیت بالایی دارد. بازسازی نیروگاه‌های فرسوده، توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر مانند خورشیدی و بادی و به‌روزرسانی شبکه‌های انتقال برق، باید در اولویت برنامه‌های دولت و در مرکز توجه بودجه‌ریزی کشور قرار گیرد. تحقق این هدف نیازمند نظارت مستمر مجلس است تا منابع به‌درستی هزینه شوند. مبارزه جدی با تخلفات مانند استخراج غیرقانونی و رماراز و قاچاق سوخت باید با همکاری نهادهای نظارتی، قضایی و انتظامی دنبال شود. مجلس نیز باید از ابزارهای قانونی خود برای نظارت بر عملکرد دولت و تضمین پاسخگویی آن بهره بگیرد. مافیای انرژی، اگر وجود دارد، باید با شجاعت و قاطعیت افشا و ریشه کن شود و این وظیفه‌ای است که هم دولت و هم مجلس باید به آن پایبند باشند.

۴ گزارش یک هادی اسماعیلی

میلیاردها دلار ارز صادراتی که می‌تواند موثر اقتصاد را به حرکت در آورد، هر سال ناپدید می‌شود. بر خلاف آنچه صرفاً صادر کنندگان خصوصی مقصر معرفی می‌شوند، ۴۰ شرکت بزرگ شبه‌دولتی باز یگران اصلی این ماجرا هستند. این شرکت‌ها با تکیه بر رانت و نفوذ، ارز را به بهانه سود بیشتر یا نیازهای داخلی بازنمی‌گردانند، در نتیجه باعث کمبود ارز برای تولید، جهش قیمت‌ها در بازار و تورمی می‌شوند که زندگی مردم را سخت‌تر کرده، همچنین نظام ارزی آشوب‌زده و نبود نظارت قوی، این بحران را عمیق‌تر کرده است.

■ ■ ■

صادرات غیرنفتی، از عفران و پسته تا محصولات پتروشیمی و فولاد، یکی از محورهای اصلی تأمین ارز برای اقتصاد کشورمان است، اما سال‌هاست بخش بزرگی از این ثروت ملی، حدود یک‌سوم، به چرخه اقتصادی بازنمی‌گردد، این یعنی میلیاردها دلار که می‌توانست صرف خرید مواد اولیه، توسعه صنعت یا کاهش فشار اقتصادی شود، جایی خارج از دسترس اقتصاد باقی می‌ماند. بر خلاف باور عمومی که انگشت اتهام را به سمت صادر کنندگان کوچک و خصوصی می‌گیرد، شواهدی که تسنیم نیز منتشر کرده است، نشان می‌دهد مشکل اصلی در جای دیگری است؛ ۲۰ شرکت بزرگ شبه‌دولتی که بخش اعظم صادرات صنعتی و معدنی را در کنترل دارند، مسئول بخش بزرگی از این بحران هستند.

این شرکت‌ها که اغلب وابسته به نهادهای دولتی یا صندوق‌های بازتسنگی هستند از امتیازات ویژه‌ای برخوردارند و به نظر می‌رسد از این موقعیت برای دور زدن تعهدات ارزی خود استفاده می‌کنند.

■ **چرا ارز به کشور بر نمی‌گردد؟**

یکی از دلایل اصلی این ماجرا، نظام ارزی چندنرخ‌ی است. وقتی نرخ ارز با بازار آزاد از نرخ رسمی بالاتر است، صادر کنندگان ترجیح می‌دهند ارز خود را دیرتر بازگردانند یا در بازار غیر رسمی بفروشند تا سود بیشتری کسب کنند.

این مشکل به‌ویژه در مورد شرکت‌های شبه‌دولتی صدق می‌کند که به گفته برخی خبرگان، حدود ۸۰ درصد ارز بازگشته را در اختیار دارند.

این شرکت‌ها اغلب استدلال می‌کنند که بازنگهداشتن ارز در حساب‌های خارجی یا تأخیر در بازگردان آن، می‌توانند سود بیشتری به دست آورند. این سود گاهی برای پرداخت تعهداتی مثل حقوق بازتسنگستان یا هزینه‌های داخلی استفاده می‌شود، اما این بهانه، زبان بزرگی را که به اقتصاد کشورمان وارد می‌شود، توجیه نمی‌کند. نبود نظارت قوی و نفوذ این شرکت‌ها در ساختارهای تصمیم‌گیری، دست نهادهای نظارتی را برای برخورد با آنها کوتاه کرده است.

■ **کشاورزی در برابر صنعت**

صادرات غیرنفتی را می‌توان به دو بخش کشاورزی و صنعتی تقسیم کرد: در بخش کشاورزی که سالانه حدود ۵میلیارد دلار از صادرات در بهار، خشکبار و مواد غذایی را شامل می‌شود، توزیع انرژی سود می‌برد. صادرات ربایی برمی‌گردد. صادر کنندگان کوچک که محصولات خود را در بازارهای همسایه مثل عراق یا افغانستان می‌فروشند، اغلب به جای ارز ریل، دریافت می‌کنند، این موضوع باعث می‌شود انرژی وارد سیستم بانکی نشود و رف تعهد ارزی عملاً غیرممکن شود، اما حجم این نوع صادرات در مقایسه با بخش صنعتی،

چرا میلیاردها دلار ارز صادرات به کشور بازنمی‌گردد؟

شبه‌دولتی‌ها در کمین ثروت ملی

۲۰ شرکت شبه‌دولتی ارز صادراتی را از چرخه اقتصاد دریغ می‌کنند



بدون اینکه آن را به بانک مرکزی تحویل دهند.

این سیاست توانسته است بخشی از نیازهای ارزی را برآورده کند و طبق آمار، سالانه ۵ تا ۱۰میلیارد دلار از این مسیر به چرخه واردات وارد می‌شود، اما تهاتر، مثل هر راهکار موقت دیگری، مشکلات خاص

سیرهای غیرشفاف خرج می‌کنند. نبود مکانیسم‌های نظارتی قوی و رانت دسترسی به منابع اولیه، این شرکت‌ها را به بازگرانی قدرتمند و غیرپاسخگو تبدیل کرده است.

■ **پیامدهای یک بحران پنهان**

عدم‌بازگشت ارز صادراتی، مثل خونی است که بیکر اقتصاد خارج می‌شود. اولین و مهم‌ترین اثر آن، کمبود ارز برای واردات نام‌هاست.

بسیاری از صنایع، از خودروسازی تا داروسازی، به مواد اولیه وارداتی وابسته‌اند. وقتی ارز کافی در سیستم رسمی وجود نداشته باشد، هزینه تأمین این مواد بالا می‌رود و قیمت تمام‌شده محصولات

افزایش می‌یابد، این یعنی تورم بیشتر و فشار مضاعف بر مردم. از سوی دیگر، این بحران بازار ارز را هم آشوب‌زده می‌کند. وقتی ارز صادراتی به بازار رسمی تزریق نشود، تقاضا در بازار آزاد بالا می‌رود و نرخ از سر به فلک می‌کشد.

این وضعیت ضمن آنکه تولیدکنندگان را تحت فشار قرار می‌دهد، قدرت خرید مردم را هم کاهش می‌دهد. در نهایت، این چرخه معیوب به بی‌اعتمادی به نظام اقتصادی و کاهش چشمتی ایران برای سرمایه‌گذاری منجر می‌شود.

■ **«تهاتر» یک چاره نصفه‌نیمه**

برای حل بخشی از این مشکل، دولت از سال ۱۴۰۱ سیاستی به نام «تهاتر ارزی» را اجرا کرد. در این روش، صادر کنندگان می‌توانند ارز حاصل از صادرات خود را مستقیماً برای واردات استفاده کنند،

دولت باید با ایجاد نهاد تنظیم‌گر مستقل، عملکرد شرکت‌های شبه‌دولتی را شفاف کند و با اصلاح نظام ارزی، انگیزه را

دولت باید با ایجاد نهاد تنظیم‌گر مستقل، عملکرد شرکت‌های شبه‌دولتی را شفاف کند و با اصلاح نظام ارزی، انگیزه را نهمداری ارز در خارج را از بین ببرد تا اقتصاد نفس بکشد، ضمناً سیاست تهاتر ارزی باید با نظارت دقیق اجرا و جلوی سوءاستفاده گرفته شود و ارز صادراتی واقعاً به واردات ضروری اختصاص یابد

وظیفه رصد و تنظیم بازار ارز را برعهده بگیرد؛ با اختیارات کافی برای بررسی حساب‌های خارجی شرکت‌ها، ارائه گزارش‌های عمومی و مقابله با رانت. این کارشناس اقتصادی می‌گوید: در حوزه صادرات کشاورزی نیز مسائل خاصی وجود دارد؛ صادراتی که عدداً به کشورهای همسایه انجام و اغلب به‌صورت ربایی تسویه می‌شود. این نوع صادرات، به‌خاطر مقیاس خرد و روش پرداخت، عملاً ارز زیادی وارد کشور نمی‌کند، بنابراین لازم‌است صادر کنندگان خرد نیز با مشوق‌هایی مانند معافیت‌های مالیاتی یا تسهیلات بانکی ترغیب شوند که ارز را از طریق سیستم بانکی بازگردانند. سیاست تهاتر ارزی، یکی از راهکارهایی بود که طی سال‌های اخیر برای دور زدن تحریم‌ها به کار گرفته شده، اما فرخی تأکید می‌کند که این ابزار باید با نظارت سختگیرانه همراه باشد.

تهاتر اگرچه بخشی از مشکل را حل کرده، اما بدون کنترل دقیق، بستری برای سوءاستفاده شده است. افرادی ارز را از بازار آزاد تهیه و با ثبت صوری، تعهدات صادراتی را رفع می‌کنند. برای مهار آثار منفی این روند، لازم‌است کالاهای واردشده از طریق تهاتر با نرخ مشخص و کنترل‌شده قیمت‌گذاری شوند تا تورم تشدید نشود.

وی همه این راهکارها را کوتاه‌مدت می‌داند و برای حل ریشه‌ای مشکل، بر لزوم اصلاحات ساختاری تأکید دارد و تصریح می‌کند: نفاذیت مالی شرکت‌های بزرگ باید افزایش یابد. حساب‌های خارجی این شرکت‌ها باید از سوی مردم‌ذی‌ربط رصد شود، صورت‌حساب مالی‌شان باید به‌صورت عمومی منتشر و پاسخگویی آنها به قانون تضمین شود. از طرفی دولت باید با اراده سیاسی قوی، رانت‌های پنهان را تحت نظارت دولتی، سختگیرانه برای رفع تعهد ارزی وضع کند. بدون این اراده، هیچ یک از اصلاحات نتیجه نخواهد داد.

فرخی در جمع‌بندی به آثار مثبت بازگشت ارز صادراتی اشاره می‌کند و می‌گوید: «اگر ارز حاصل از صادرات به‌درستی به اقتصاد تزریق شود، هزینه واردات مواد اولیه کاهش می‌یابد، تولید تقویت می‌شود و تورم کنترل خواهد شد. در بلندمدت این اقدام می‌تواند به اقتصاد کشور افزایش فشار اقتصادی بر مردم کاهش می‌یابد اما اجزای این اصلاحات وابسته به هماهنگی قواست و بدون هماهنگی میان دولت، مجلس و نهادهای نظارتی، کار از بینش می‌مورد. اگر این هماهنگی و عزم جدی وجود داشته باشد، میلیاردها دلار که امروز خارج از چرخه اقتصاد مانده است، می‌تواند به کشور بازگردد و جلوی زیان‌های بزرگ آینده گرفته شود.

وی ادامه داد: مجلس شورای اسلامی به دنبال معرفی رؤسای بانک‌های خاطی در زمینه پرداخت وام اشتغال به دستگاه قضااست و این ظرفیت وجود دارد. آنها باید پاسخگو باشند که چرا به وظایف قانونی‌شان در زمینه پرداخت وام‌های حمایتی نظیر وام اشتغال عمل نمی‌کنند. عملکرد فعلی بانک‌ها و اینکه حاضر نیستند مبالغ را به حوزه‌های مولد و اشتغال سوق دهند، خیانت بزرگ بانک‌ها به کشور است.

محمد جلالی، نماینده دلچیان و محلات در مجلس نیز در خصوص عطسی وام اشتغال و توجهی پرداخت نمی‌شود، با وجود این اعطای وام تعیین‌شده در قانون بودجه یکسری مسائل وجود دارد که باید حل و فصل شود. به طور مثال، بانک‌ها می‌گویند دولت باید طبق قانون بودجه، بارانه که این تسهیلات اختصاص دهد، در حتم جدی قدرت خلق پول را از حاکمیت گرفته‌اند و نسبت به تکالیف حمایتی در کشور هیچ اقدام مثبتی انجام نمی‌دهند و این موضوع غلط است. وی ادامه داد: باید بانک‌ها به حوزه‌ها در زمینه پرداخت تسهیلات تکلیفی مانند وام اشتغال نمره خوبی نمی‌گیرند و عملکرد قابل‌قبولی تا آن نداشته‌اند. باید حرف‌های بانک‌ها هم شنیده شود، اما آنچه الان می‌بینیم این است که پرداخت وام اشتغال به خوبی صورت نمی‌گیرد.

این نماینده مجلس خاطر نشان کرد: شرایط وام اشتغال خوب نیست. سود آن بالاست و مبلغ قابل توجهی پرداخت نمی‌شود، با وجود این اعطای وام اشتغال در اولویت بانک‌ها نیست و عملکرد خوبی در این زمینه ندارند. وزارت اقتصاد بانک مرکزی باید نظارت کافی بر روند اعطای تسهیلات داشته باشند. اعتبارات باید به بخش‌های مولد داده شود و از تزریق اعتبار به بخش‌هایی که برای اقتصاد ملی منفعت ندارد، جلوگیری به عمل آید.

دولت باید با اصلاح نظام ارزی و تقویت شفافیت در عملکرد این شرکت‌ها و کاهش رانت‌هایشان، امکان تسهیلات اشتغال را به کارشناسان بخش خصوصی بدهد

حسینی کیا، عضو کمیسیون صنایع و معادن، بخشی از نارضایتی‌ها در جامعه به موضوع عدم پرداخت وام‌های حمایتی مانند وام اشتغال برمی‌گردد. بخش زیادی از نارضایتی مردم نیز به عملکرد بانک‌ها مربوط می‌شود. این یک خطای بزرگ از سمت بانک‌هاست که به وظایف خودشان در حوزه پرداخت وام اشتغال عمل نمی‌کنند

کشور مهاجرت بی‌رویه از روستاها به شهرهاست، علت اصلی این مهاجرت نبود فرصت‌های شغلی پایدار در مناطق روستایی است. سیدجواد حسینی کیا، عضو کمیسیون صنایع و معادن نیز با تأکید بر لزوم پرداخت وام اشتغال گفت: متأسفانه بانک‌ها به وظایف قانونی‌شان در حمایت از هدررفت منابع جلوگیری به عمل اشتغال عمل نمی‌کنند. این جز کم‌لطفی‌های بانک‌ها به کشور است که تعهدات‌شان را در زمینه پرداخت وام اشتغال انجام نمی‌دهند.

حسینی کیا گفت: بخشی از نارضایتی‌ها در جامعه به موضوع عدم پرداخت وام‌های حمایتی مانند وام اشتغال برمی‌گردد. بخش زیادی از نارضایتی مردم نیز به عملکرد بانک‌ها مربوط می‌شود. این یک خطای بزرگ از سمت بانک‌هاست که به وظایف خودشان در حوزه پرداخت وام اشتغال عمل نمی‌کنند.

تسهیلات اشتغال زایی را کسی گردن نمی‌گیرد

وام‌های اشتغال در بن‌بست

سرمایه در بازار آزاد حدود ۵۰درصد است، بانک‌ها حاضر نیستند با نرخ سود ۲۳درصد به عطای وام بپردازند. لازم است با اعمال سیاست‌های قدرت بانک‌ها برای پرداخت وام افزایش پیدا کند. قاری افزود: مبلغ وام اشتغال باید با واقعیت‌های جامعه همخوانی داشته باشد، به نحوی که افراد بتوانند کسب و کاری را شروع کنند. از طرف دیگر، به ویژه اجرای طرح اعطای وام به مددجویان نهادهای حمایتی باید با نظارت و دقت صورت بگیرد. باید مطمئن شوم که مبالغ به حوزه اشتغال آفرینی می‌رسد و از هدررفت منابع جلوگیری به عمل می‌آید. این نماینده مجلس خاطر نشان کرد: از آنجا که مددجویان عمدتاً تاجر و فعال اقتصادی نیستند، باید آموزش‌های لازم به آنها به منظور فعالیت در فضای اقتصادی کشور داده شود. باید

مشاوران اقتصادی در تمامی مراحل تولید، فروش و بازاریابی در کنار مددجویان باشند، به نحوی که زمینه برای توانمندسازی آنها فراهم شود و عملاً نیازی به کمک‌های دولتی منابع جلوگیری به عمل نی‌آید. این نماینده مجلس خاطر نشان کرد: از آنجا که مددجویان عمدتاً تاجر و فعال اقتصادی نیستند، باید آموزش‌های لازم به آنها به منظور فعالیت در فضای اقتصادی کشور داده شود. باید مشاوران اقتصادی در تمامی مراحل تولید، فروش و بازاریابی در کنار مددجویان باشند، به نحوی که زمینه برای توانمندسازی آنها فراهم شود و عملاً نیازی به کمک‌های دولتی منابع جلوگیری به عمل نی‌آید. این نماینده مجلس خاطر نشان کرد: از آنجا که مددجویان عمدتاً تاجر و فعال اقتصادی نیستند، باید آموزش‌های لازم به آنها به منظور فعالیت در فضای اقتصادی کشور داده شود. باید

مشاوران اقتصادی در تمامی مراحل تولید، فروش و بازاریابی در کنار مددجویان باشند، به نحوی که زمینه برای توانمندسازی آنها فراهم شود و عملاً نیازی به کمک‌های دولتی منابع جلوگیری به عمل نی‌آید. این نماینده مجلس خاطر نشان کرد: از آنجا که مددجویان عمدتاً تاجر و فعال اقتصادی نیستند، باید آموزش‌های لازم به آنها به منظور فعالیت در فضای اقتصادی کشور داده شود. باید مشاوران اقتصادی در تمامی مراحل تولید، فروش و بازاریابی در کنار مددجویان باشند، به نحوی که زمینه برای توانمندسازی آنها فراهم شود و عملاً نیازی به کمک‌های دولتی منابع جلوگیری به عمل نی‌آید. این نماینده مجلس خاطر نشان کرد: از آنجا که مددجویان عمدتاً تاجر و فعال اقتصادی نیستند، باید آموزش‌های لازم به آنها به منظور فعالیت در فضای اقتصادی کشور داده شود. باید

■ **ایجاد اشتغال و کاهش مهاجرت به شهرها** وام‌های اشتغال زایی می‌تواند زمینه بازگشت مهاجرت از شهرها به روستاها را فراهم کند و با ایجاد اشتغال پایدار در تحقق شعار سال نقشی محوری داشته باشد. حامد یزدیان، عضو کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی، در این باره با تأکید بر ضرورت پرداخت وام‌های اشتغال زایی در بخش‌های کشاورزی و دامداری گفت: یکی از مشکلات اساسی